

خاموشی چراغ آپارات‌های لاله‌زار

«سینما ایران» در آتش سوخت

لیلا نوعی | روز گذشته ۲۳ آذرماه، جان درمانده یکی دیگر از سینماهای لاله‌زار تسلیم آتش شد. ساختمان‌های رها شده، بدون نگهدیانی، بدون ایمنی و بدون کاربری مشخص موجب شده آتش، آخرین پرده نمایش برای این سالن‌ها باشد. «سینما ایران» لاله‌زار که دیروز چراغ آپاراتش خاموش شد، از سالن‌های اولیه پخش فیلم با هزار و ۲۰۰ صندلی بوده است. این سینما در سال ۱۳۲۳ توسط آرنولد یاکوسیان و الکساندر لوین تأسیس شد. اما در اواخر دهه ۵۰ تبدیل به انبار تجهیزات الکتریکی و روشنایی شد؛ سرنوشتی که نصیب بسیاری از سینماهای دیگر این منطقه نیز شده است. از سینما نادر و سینما کریستال که در دهه ۹۰ فروخته شد، گرفته تا سینما البرز، سارا، فلور، شهر قشنگ، رادیو سیتی، متروپل و... حالا لاله‌زاری که قدیم قلب فرهنگ و هنر بوده و صف‌های طولانی فیلم‌بازان را به خود دیده، امروز تنها شاهد خریداران لوازم برقی و سینماهای متروکه است.

به این ترتیب ماجرای سینماهای متروکه لاله‌زار سال‌هاست شروع شده اما مسئله مهم این است متروکه ماندن سینماها فقط به از بین رفتن یک ساختمان ختم نمی‌شود؛ این روند به تدریج سینما را از جغرافیای فرهنگی شهر و یک منطقه حذف می‌کند. امروز شاهد هستیم مناطقی که روزگاری چند سالن سینما در خود داشتند، دیگر حتی یک سینمای فعال هم ندارند و مرکز تهران، با آن همه پیشینه فرهنگی، به یکی از فقیرترین مناطق شهر از نظر سرانه سینما تبدیل شده است. متروکه شدن سینماهای لاله‌زار فقط نتیجه گذر زمان یا تغییر بافت جغرافیایی نیست، بلکه نتیجه مجموعه‌ای از تصمیم‌های اشتباه و بی‌مسئولیتی‌های طولانی مدت است. توجیه متروکه شدن سینماهای قدیمی این است که الگوی نمایش فیلم در دنیا و ایران به سمت پردیس‌های چندسالنه رفته و نمایش فیلم در سالنی بزرگ با چند تماشاگر، صرفه اقتصادی ندارد، اما به نظر می‌رسد مشکل مهم‌تر به کاربری فرهنگی این بناها برمی‌گردد. سینماها امکان فروش یا تغییر کاربری آسان ندارند. تبدیل کاربری فرهنگی به تجاری، هزینه‌های سنگینی برای مالکان دارد، هزینه‌هایی که اغلب پرداخت نمی‌شود؛ در نتیجه، این سینماها تبدیل به ساختمان‌هایی می‌شوند که نه امکان فعالیت دارند و نه خرید و فروش می‌شوند. به همین دلیل بسیاری از این سینماها یا به انبار تبدیل شده یا سال‌ها به حال خود رها شده‌اند تا به تدریج فرسوده شوند؛ مسیری که در نهایت به تخریب ختم می‌شود، همان‌طور که برای سینما فرعون اتفاق افتاد. از طرف دیگر، موقعیت جغرافیایی این سینماها بی‌تأثیر نبوده است. بیشتر سینماهای قدیمی تهران در محورهایی مثل لاله‌زار و جمهوری قرار دارند؛ محدوده‌هایی که کارکرد فرهنگی‌شان به‌مرور جای خود را به فعالیت‌های تجاری و عده‌فروشی داده‌است. این تغییر بافت، سبب شده سینما رفتن در این مناطق عملاً از نفس بیفتد.

در حالی‌که پردیس‌های فعال سینمایی عمده‌تا در شمال شهر ساخته شده‌اند، این جابه‌جایی، نشانه‌ای روشن از انتقال سینما از فضای عمومی شهر به فضای مصرفی و طبقاتی است. این چرخه به‌مرور سبب تهی شدن فرهنگی برخی مناطق شهر می‌شود؛ مناطقی که ساکنانشان برای تماشای فیلم، ناچارند کیلومترها مسیر را طی کنند یا کلاً قید سینما رفتن را بزنند. سینماهای متروکه تهران، نه فقط قربانی فرسودگی بنا یا تغییر ذائقه مخاطب که نتیجه نبود سیاست مشخص برای حفظ، احیا یا حتی تعیین تکلیف هستند. تا زمانی که این ساختمان‌ها بالاتکلیف رها شوند، آتش‌سوزی‌ها، تخریب‌ها و حذف تدریجی سینما از نقشه شهر ادامه خواهد داشت.

قصه سینماهای لاله‌زار، قصه خاموش شدن تدریجی بخشی از حافظه فرهنگی تهران است؛ خاموش شدنی که سال‌هاست کسی مسئولیتش را به‌عهده نمی‌گیرد. سینمایی که متروکه باشد و قدر آن دانسته نشود طعمه حریق هم می‌شود!

فرهنگ و هنر

درباره مستند تأمل برانگیز «خون طلایی آمنه» ساخته حبیب احمدزاده که در نوزدهمین

جشنواره سینماحقیقت به‌نمایش درآمد

وقتی انسانیت مرزها را در می‌نوردد



صبا کریمی | نوزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» در میانه‌های راه‌خودبا استقبال قابل توجهی از سوی مخاطبان روبه‌رو بوده است و جمعه گذشته ۲۱ آذرماه، پردیس سینمایی ملت، میزبان جمع کثیری از علاقه‌مندان به سینمای مستند و تعدادی از هنرمندان و سینماگران بود، به‌طوری که براساس آمار اعلام شده از سوی دبیرخانه جشنواره، بیش از ۲هزار و ۲۰۰ تماشاگر در یک روز حضور داشتند که در مقایسه با دوره‌های پیشین «سینماحقیقت»، با افزایش روبه‌رو بوده است. اما این همه ماجرا نیست. جمعه و البته شب گذشته روزهایی پر از اشک، اشتیاق و قدردانی نسبت به انسانیت بود. از نمایش تأثربرانگیز فیلم «خون طلایی آمنه» ساخته حبیب‌احمدزاده‌تا جشن تولدی که سازندگان فیلم «آخرین بازمانده» برای کیان، پسر خردسالی گرفتند که خانواده‌اش را در جنگ ۱۲روزه از دست داده‌بود. سالن‌های نمایش نیز در زمان اکران فیلم‌ها با ظرفیت کامل روبه‌رو بودند و ظهر جمعه فیلم «مشت‌زنی در رینگ ترجمه» به کارگردانی حنیف شهرراد که روایتی از زندگی ذبیح‌الله منصوری بود مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت. از دیگر فیلم‌ها به نمایش درآمد در روز جمعه، مستند «آبراه کوچکی در میان هور» ساخته مرتضی پایه‌شناس بود که چند میهمان ویژه هم داشت. ازجمله هادی حجازی‌فر، مهدی همت‌فرزند شهید همت، احسان باکری‌فرزند شهید باکری و محسن نوذریان هم‌رمز شهید علی هاشمی که در پردیس ملت به تماشای این فیلم‌نشستند.

■چرا «خون طلایی آمنه» دیده‌شد؟

در میان فیلم‌های اکران شده روز جمعه، شاید هیچ فیلمی به اندازه «خون طلایی آمنه» ساخته حبیب‌احمدزاده نتوانست نبض مخاطب را در دست بگیرد؛ به‌گونه‌ای که پس از پایان نمایش آن، صحنه‌هایی احساسی و همراه با غم و شادی رقم‌زد. مصطفی مقدم، رئیس آزمایشگاه مرجع ایمنوهماتولوژی سازمان انتقال خون‌ویکی‌ازشخصیت‌های کلیدی این مستند نیز در زمان اکران میان حاضران بود و پس از پایان فیلم با استقبال گرم مردم روبه‌رو شد.

اما ماجرای این مستند جذاب چه بود که تا این حد توانست در میان مخاطبان، احساساتی همچون غرور، امید، دلگرمی و عشق به‌انسانیت‌را زنده‌کند.

«خون طلایی آمنه» داستان دختری بوشهری به نام آمنه را روایت می‌کند که به‌طور کامل تضادی متوجه می‌شود از کم‌خونی رنج می‌برد، پیگیری‌های متعدد نشان می‌دهد آمنه گروه خونی کمپایی دارد که به نام گروه خون طلایی معروف است و نادرترین گروه خونی در میان انسان‌هاست.

در این گروه خونی، هیچ‌یک از آنتی‌ژن‌های سیستم Rh روی سطح گلبول‌های قرمز وجود ندارد و همین ویژگی، آن را به یک پدیده ژنتیکی بسیار نادر تبدیل کرده، به‌طوری که تخمین زده می‌شود تنها حدود ۴۳ نفر در دنیا این گروه خونی را داشته باشند. به مستند برگردیم؛ تلاش‌ها برای بهبود حال آمنه که روز به روز وخیم‌تر می‌شود، ادامه دارد، اما با تزییق متعدد خون‌های ناساگار، حال او بدتر شده تا اینکه در میانه‌های راه، دکتر مصطفی مقدم، رئیس آزمایشگاه مرجع ایمنوهماتولوژی سازمان انتقال خون به ماجرا می‌پیوندد و شخصاً پیگیری می‌شود و به تیم‌های پزشکی دنیا و اعضای انجمن خون‌های نادر ایمیل می‌زند تا برای آمنه خون پیدا کنند. تلاش‌های بین‌المللی فراوانی برای یافتن خون نادر و نجات جان او با هماهنگی سازمان انتقال

خون انجام می‌شود. پزشکی که بدون هیچ چشمداشتی دوشادوش خانواده آمنه همراه آن‌ها این لحظات سخت را سپری می‌کند و پس از تلاش‌های فراوان موفق می‌شود یک بسته خون مشابه خون آمنه از کشوری دیگر پیدا کند.

وقتی انسانیت مرز نمی‌شناسد «خون طلایی آمنه» مستندی مصاحبه‌محور و مبتنی بر روایت ماجرا از زبان نزدیکان آمنه است که

گام به گام مخاطب را در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین لحظات همراه می‌کند. روایت پرکشش و پرتعلیق ماجرا و راه رفتن روی لبه باریک مرگ و زندگی در سایه روشنای امید، تأثیرگذاری عمیقی در روایت این مستند رقم‌زده است. بخش عمده‌ای از این مسیر پر فراز و نشیب و نفسگیر با همراهی دکتر مصطفی مقدم اتفاق می‌افتد. او نخستین فردی است که طرح ملی خون‌های نادر ایران را در کشور راه‌اندازی کرد و با همراهی شبانه‌روزی و کمک‌های جانانه و بدون چشمداشتش کنار خانواده آمنه ایستاد.

مستند احمدزاده از چندین حیث قابل بررسی است؛ قدرت انسانیت که مرز نمی‌شناسد و همه را بدون جهت‌گیری‌های سیاسی کنار یکدیگر نگه می‌دارد، از سوی دیگر پرداختن به معضل تحریم که ورای خط‌کشی‌های سیاسی چه بر سر بیماران می‌آورد و سرنوشت آن‌ها را در هم می‌پیچد، اما در عین حال این فیلم فرصتی مغتنم فراهم می‌کند تا مردم بدانند هنوز هم پزشکان دلسوزی هستند که احساسات و عواطف انسانی را فدای روزمرگی و تکرار نکرده‌اند و جان شیرین هر انسانی را عزیز و محترم می‌شمارند و خالصانه و با تمام وجود برای نجات بیماران به میدان می‌آیند.

■سوزه‌ای که اتفاقی پیداشت

پس از پایان نمایش این مستند، فرصتی کوتاه دست داد تا با دکتر مقدم و حبیب احمدزاده گفت‌وگو کنیم. احمدزاده که مانند همیشه از مصاحبه‌گریزان است در سخنانی کوتاه درباره رسیدن به این سوزه گفت با ماجرای آمنه خیلی تصادفی مواجه‌شده‌وقتی خانواده‌اش از احمدزاده که رهسپار سفری به اروپا بود، درخواست کرده بودند هدایایی رایبه رسم قدردانی به یک تیم پزشکی در اسپانیا برساند در جریان ماجرا قرار گرفته و تصمیم به ساخت این مستند گرفته بود. احمدزاده درباره اهمیت این مستند می‌گوید: یک مسئله اهمیت اطلاع‌رسانی در سطح جهانی و دیگری جنبه آگاهی‌بخشی به مردم و رواج فرهنگ انتقال خون است. کار اصلی را دکتر مقدم انجام داده و همچنین خانواده آمنه که این

لحظات سخت و دشوار را با صبوری جلودوربین روایت کرده‌اند. دکتر مصطفی مقدم، ایمنوهماتولوژیست نیز در گفت‌وگویی باخبرنگار مادر باره پیوستن به تیم مستند «خون طلایی آمنه» بیان می‌کند: چند ماهی مراحل ساخت مستند پیش رفته بود که تیم آقای احمدزاده با من تماس گرفتند و پیگیر ماجرای آمنه شدند. راستش برای من سؤال برانگیز بود که چرا پیگیر ما هستند، چون معتقدم ما وظیفه خدمان را انجام دادیم و کار عجیبی نکردیم. البته اتفاقی که افتاد در سطح جهانی بود و دیگر اعضای گروه خون‌های نادر چنین تجربه‌ای نداشتند. در نهایت با تلاش و پشتکاری که آقای احمدزاده از خود نشان داد و اصرار و صداقتی که در او دیدم، درخواستش را برای مصاحبه در این مستند قبول کردم.

■گام بلند مهرجویی در تأسیس سازمان انتقال خون

وی در واکنش به فیلم «دایره مینا» ساخته‌دار یوش مهرجویی در تأسیس سازمان انتقال خون و اهمیت مستند «خون طلایی آمنه» در آگاهی‌رسانی درباره گروه‌های خونی نادر تأکید می‌کند: این فیلم تأثیرگذار منجر به تأسیس سازمان انتقال خون شد و پایه‌گذاری این سازمان توسط دکتر فریدون علاء اتفاق افتاد. به‌نظرم فیلمی که آقای احمدزاده ساخته هم نقش مهمی در جایگاه‌و اعتبار سازمان انتقال خون و همچنین اهمیت‌اهدای خون در میان مردم دارد، ضمن اینکه این مستند نشان می‌دهد برخلاف اینکه مردم به بسیاری از سازمان‌های دولتی اعتماد ندارند اما پرسنل سازمان انتقال خون عاشق هستند. دکتر مقدم با ابراز خشنودی از حضور در جشنواره سینماحقیقت یادآور می‌شود: اولین بار است که در چنین جشنواره‌ای هشتم واکنش مخاطبان برایم بسیار جالب است. به‌نظرم مهم‌ترین پیامی که این فیلم می‌دهد این است که همه مرزها مصنوعی هستند و زمانی که کسی به کمک نیاز دارد از هر کشوری هم که باشد، مرز سیاست کنار گذاشته می‌شود. از سویی دیگر این فیلم جایگاه کرامت انسانی و وظایفمان را به ما گوشزد می‌کند که کارمند صرف نباشیم به‌طوری‌که فقط ساعت کاری را پر کنیم بلکه باید وجودمان برای کاری که انجام می‌دهیم مفید باشد و به آن تعهد داشته باشیم.

■جامعه پزشکی از یادگیری علوم تازه دست نکشد

وی در حالی که از یادآوری سرنوشت آمنه اشک در چشمانش حلقه زده، ادامه می‌دهد: آمنه دانشجوی بیست‌وسه ساله‌ای بود که بیماری آنومی داشت و پزشکان علت آن را تشخیص نمی‌دادند. به‌نظرم یکی دیگر از پیام‌های این مستند به جامعه پزشکی و مراکز دانشگاهی ماست که باید بیشتر کار کنند و دلسرد نشوند و در علم پزشکی فراتر بروند. این حق آمنه بود که زندگی کند، اما گروه خونی او در میان ۹۰ میلیون ایرانی یافت نشد ولی ما در سازمان انتقال خون این توانایی را داشتیم که این گروه خونی را شناسایی کنیم و با توجه به اینکه عضو انجمن بین‌المللی خون‌های نادر بودیم این اعتبار و جایگاه علمی را داشتیم که سایر اعضای انجمن به ما کمک کنند اما متأسفانه به دلایلی مانند تحریم و معضلات ارتباطات بین‌المللی، این کار میسر نشد، در حالی که اگر تحریم نبودیم در عرض ۴۸ ساعت همه چیز حل می‌شد. با همه این احوال یاد و خاطره آمنه همیشه با من است؛ او باید زنده می‌ماند. جوانان ایرانی لیاقتشان فراتر از این‌هاست.

گفتنی است جشنواره در چهارمین روز از برگزاری اش حال و هوای دیگری داشت. مستند «آگیرا» از تولیدات مرکز مستند سوره با استقبال بسیاری مواجه شد؛ این فیلم داستان پسر جوانی به نام علی را روایت می‌کند که متوجه می‌شود در زمان تولد از بیمارستان ربوده شده و حالا تلاش می‌کند با پیگیری از کسانی که در شب ربایش در بیمارستان حضور داشتند، هویت واقعی خود را پیدا کند. اما تا روز گذشته پرمخاطب‌ترین مستندهای چهار روز اول جشنواره به ترتیب «آگیرا»، «شنا خلاف جهت»، «روابه و ماه صورتی»، «لاماسو» و «نارکیس» بوده‌اند و حالا باید دید در روزهای باقیمانده کدام مستندها به جمع پرمخاطب‌ترین‌ها اضافه خواهند شد. گفتنی است، نوزدهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت از ۱۹ تا ۲۵ آذر در پردیس سینمایی ملت در حال برگزاری است.

مناقصه عمومی

«**خرید ۳۵۰۰۰ عدد اقلام جشن تکلیف دخترانه**»

آستان قدس رضوی در نظر دارد در خصوص « **خرید ۳۵۰۰۰ عدد اقلام جشن تکلیف دخترانه**» از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا متقاضیان محترم می‌توانند اسناد مربوطه را از تارنمای dev.razaavi.ir بخش مناقصات و مزایدات و یا در ساعات اداری با مراجعه حضوری به آدرس: مشهد مقدس- خیابان نواب صفوی- نبش نواب صفوی ۲- مجموعه اداری حرم مطهر، طبقه دوم- اداره تدارکات حرم مطهر بخش قراردادها، دریافت نمایند و حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۷ نسبت به تحویل پیشنهادات تکمیل شده و مدارک مطابق شرایط اعلام شده اقدام نمایند.
شماره های تماس ۰۵۱۳۲۰۰۹۹۲۷ و ۰۵۱۳۲۰۰۹۹۲۷

معاونت اداری و پشتیبانی حرم مطهر رضوی

آگهی مناقصه عمومی

شماره مناقصه سامانه ستاد: ۲۰۰۴۰۹۵۰۰۴۰۰۰۰۱۲

موضوع مزایده: بهره برداری تعدادی از کانکس‌های ذیل پل عابرپایده ، غرف بازارها و ایست‌کارهای شهرداری، اجاره مکان جهت استقرارکافه‌ون و ریموک و همچنین غرف بازار مجیدیه مطابق لیست های مندرج در اسناد مزایده به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط به صورت اجاره مدت بهره برداری: به شرح اسناد مزایده مبلغ پایه: مطابق شرح اسناد مزایده جهت شرکت در مزایده و کسب اطلاعات مزایده به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی https://setadiran.ir مراجعه نمائید.

معاونت خدمات و محیط زیست شهری – سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

آگهی تجدید مناقصه شماره ۱۴۰۴/۳۸ (مرتبه اول)
(یک مرحله ای از طریق ارزیابی کیفی)

شرکت مخابرات ایران – منطقه فارس در نظر دارد

نسبت به خرید ۶ عدد سرور شبکه NGN به همراه متعلقات مربوطه بر اساس مشخصات موجود در اسناد از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید.لذا از کلیه تامین کنندگان واجد شرایط دعوت به عمل می آید. متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر به پرتال این منطقه به آدرس FA.TCI.IR مراجعه نمایند.

روابط عمومی مخابرات منطقه فارس

تا چابیت سرد میشه ، آگهی تو سفارش بده

همین قدر راحت و سریع

پذیرش آگهی غیر حضوری در روزنامه قدس

۰۵۱-۳۷۰۸۸



جمهوری اسلامی ایران



جمهوری اسلامی ایران



کارگردان: حبیب احمدزاده
نویسنده: مهدی همت